

بسمه تعالی خلاصه کتاب ویژگی‌های عبادالرحمن اثر استاد طاهایی

بخشی از آیات سوره مبارکه فرقان با تعبیر زیبای «عبادالرحمن» حالات و صفات بندگان خوب خدا و گروه ممتاز مؤمنان را بیان می‌فرماید. این آیات در بردارنده ابعاد اعتقادی و برخی جنبه‌های فردی و اجتماعی رفتار مطلوب انسان کمال یافته است. و روی هم رفته به مجموعه‌ای از والاترین ارزش‌های انسانی اشاره می‌کند.

قال الله العظيم في كتابه:

«وَعِبَادُ الرَّحْمَنِ الَّذِينَ يَمْشُونَ عَلَى الْأَرْضِ هَوْنًا...»^۱

بندگان خاص و ویژه خدای رحمان آنها هستند که بدون تکبر و با آرامش بر زمین راه می‌روند.

«عبد» به معنای بنده است و بنده کسی است که مالک دارد. خداوند مالک و همه‌ی بندگان مملوک او هستند. زیرا انسان و تمام مخلوقات جهان آفریده خدا هستند و بقاء آنها به اراده خدا بستگی دارد. و این بندگی افتخار بزرگی است. لذا علی ع می‌فرماید:

«خدايا اين سربلندي و عزت براي علي بس كه بنده توست و اين افتخار براي او كافي است كه تو پروردگار او هستي.»

اگر بنده خدا شدیم از قید هر بندگی دیگر آزادیم بندگی تنها به خواندن نماز و روزه گرفتن نیست بلکه مطیع پروردگار بودن است. چنانچه کسانی با علی ع به مقابله برخاستند در حالی که پیشنهادی که کف دست‌های آنها از زیادی سجده پینه بسته بود. بندگی این نیست. در آیات ۶۳ تا آخر سوره مبارکه فرقان دوازده ویژگی از ویژگی‌های بندگان خدا را بیان می‌فرماید.

ویژگی اول: تواضع و فروتنی

«الَّذِينَ يَمْشُونَ عَلَى الْأَرْضِ هَوْنًا...»

بندگان خدای رحمان راه رفتنشان با آرامی و نهایت فروتنی است. تواضع ثمره عبودیت و نخستین نشانه بندگی خدای رحمان است. تکبر یکی از صفات ناپسند روانی است که سه مرحله دارد.

۱- کبر
۲- تکبر
۳- استکبار

کبر، یعنی خود را بزرگ دیدن. تکبر یعنی بزرگ فروشی به دیگران و استکبار یعنی طلب بزرگی کردن است. وقتی فرد به مرحله استکبار برسد دیگر معالجه ندارد و هلاک شده است. شیطان در رأس تمام متکبران است. قرآن در رأس تمام صفات عبادالرحمن نفی کبر و غرور و خودخواهی در تمام اعمال و حرکات ایشان می‌کند که تواضع ثمره این بندگی است.

ویژگی دوم: حلم و بردباری

«وَإِذَا خَاطَبَهُمُ الْجَاهِلُونَ قَالُوا سَلَامًا...»^۲

وقتی به افراد نادان برسند، سلام می‌کنند. نه تنها نسبت به دانایان نهایت تواضع و فروتنی را دارند بلکه نسبت به افراد نادان و فرومایه هم ولیم و بردبارند و در پاسخ نادانی آنان سخنی کریمانه و عالمانه می‌گویند و سلام می‌کنند. سلام یعنی از من به تو جز سلامتی، چیز دیگری نمی‌رسد. جاهلی که در این‌جا آمده به معنای این نیست که عقل ندارد بلکه کسی است که نمی‌داند به چه راهی پیش می‌رود. راست، درست یا بیراهه؟ سعه صدر علامت عظمت روح است مخصوصاً در جوامعی که افراد فاسد و جاهل بسیارند.

ویژگی سوم: شب زنده داری

«وَالَّذِينَ يَبْتَغُونَ لِرَبِّهِمْ سُجَّدًا وَقِيَامًا...»^۳

کسانی که شب را بیدارند و برای پروردگارشان سجده و قیام می‌کنند. «بیتوته» به معنای شب زنده‌داری تمام شب یا نیمی یا بخشی از آن است. بهترین وقت عبادت شب است بین شب و نماز و مناجات رابطه محکمی است. چرا که فضا آرام و دور از ریا بوده و تمرکز از برکات آن می‌باشد. نکته قابل توجه در آیه مبارکه این است که می‌فرماید: این کار برای پروردگار است نه برای بازگو کردن به دیگران و تحسین آنها. از طرفی عابدان شب، شیران روز هستند که

^۱ - سوره ی فرقان()، آیه ی ۶۳

^۲ - سوره ی فرقان، آیه ی ۶۳

^۳ - همان، آیه ی ۶۴

صبح قیام به وظیفه اجتماعی و سیاسی و دینی خود می‌کنند. اما متأسفانه یک دسته از مقدّس مآبان تمام وظایف اجتماعی خود را کنار گذاشته و فقط نماز شب می‌خوانند.

ویژگی چهارم: ترس از مجازات الهی

«وَالَّذِينَ يَقُولُونَ رَبَّنَا اصْرِفْ عَنَّا عَذَابَ جَهَنَّمَ...»^۱

چهارمین ویژگی عبادالرحمن یاد معاد و ترس از غضب خداوند است. اینان با وجود شب زنده‌داری، به عبادت و عمل نیک خود مغرور نبوده و قلوبشان مملو از ترس کوتاهی از مسؤولیت‌هاست. لذا پیوسته می‌گویند: پروردگارا عذاب جهنم را از ما برطرف گردان که عذابش سخت و شدید و پردوام است. اطلاق واژه غرام به جهنم به همین دلیل است که جهنم بد اقامتگاهی است و عذاب آن شدید و پی‌گیر است.

ویژگی پنجم: میانه‌روی در انفاق

«وَالَّذِينَ إِذَا أَنْعَمُوا لَمْ يُسْرِفُوا وَلَمْ يَقْتُرُوا وَكَانَ بَيْنَ ذَلِكَ قَوَامًا...»^۲

هرگاه انفاق می‌کنند نه اسراف می‌کنند و نه سخت‌گیری، بلکه میانه‌روی دارند. عباد الرحمن در این وظیفه اجتماعی خود هم توجه به کیفیت عمل دارند و از هرگونه افراط و تفریط خودداری می‌کنند. به فرموده قرآن^۳ انسان مالک دارایی خود است ولی در خرج کردن محدودیت دارد. امت میانه‌رو و وسط باید برنامه‌های معتدل داشته باشد. امام صادق ع خرج کردن و بخشش در راه باطل را اسراف می‌دانند و بخل در راه حق را انقار.

ویژگی ششم: توحید خالص

«وَالَّذِينَ لَا يَدْعُونَ مَعَ اللَّهِ إِلَهًا آخَرَ...»^۴

عباد الرحمن کسانی هستند که معبود دیگری را با خداوند نمی‌خوانند. توحید خالص آن‌ها را از هر گونه شرکی دور می‌سازد. نور توحید سراسر وجود آن‌ها و زندگی فردی و اجتماعی‌شان را روشن ساخته و تیرگی شرک از فکر و قلب آن‌ها به کلی برطرف شده است.

ویژگی هفتم: عدم قتل نفس

«وَلَا يَقْتُلُونَ النَّفْسَ الَّتِي حَرَّمَ اللَّهُ إِلَّا بِالْحَقِّ...»^۵

انسانی را که خدا خودش را حرام کرده جز به حق به قتل نمی‌رسانند. قتل نفس از گناهان کبیره است ولی جمله «بالحق» می‌رساند که در مواردی لازم و حق است. از جمله:

- ۱- قصاص قاتل
 - ۲- زنا با محارم
 - ۳- مرتد
 - ۴- مفسد و محارب و ...
- البته دستور این‌ها با حاکم شرع است.

ویژگی هشتم: پرهیز از انحراف جنسی

«وَلَا يَزْنُونَ...»^۶ زنا نمی‌کنند.

در بین غرایزی که در انسان وجود دارد دو غریزه شهوت و غضب خطرناک‌ترین است که اگر انسان مؤمن آن‌ها را کنترل نکرده و مهار آن را به دست نگیرد به گناه افتاده و تخلف او از این قانون الهی کیفر شدیدی دارد. در ادامه آیه می‌فرماید: در روز قیامت عذاب او مضاعف (دوچندان) می‌شود. در این‌جا ممکن است سؤال شود که مضاعف شدن عذاب الهی چگونه با عدل الهی سازگار است؟ جواب این‌که بعضی از گناهان آثار شومی دارد که چند برابر خود عملی است. مانند کسی که سنت بدی را در جامعه بنا نهد در طول تاریخ هر کس به آن عمل کند برای مؤسس آن نیز گناهی ثبت می‌شود. گاهی هم شخصیت اجتماعی داشتن گناه و کیفر مجرم را دو برابر می‌کند. چنان‌چه خداوند در قرآن خطاب به زنان پیغمبر می‌فرماید: «اگر کار زشتی انجام دهید کیفر دو برابر دارید.»^۶ طبق روایات گاهی زمان و مکان در عمل مؤثر است و ثواب یا گناه را مضاعف می‌کند مثل گناه در روز جمعه یا کار خیر در این روز. البته خداوند هیچ گاه راه بازگشت و توبه را به روی مجرم نمی‌بندد و بعد از وعید به عذاب شدید و خلود در جهنم می‌فرماید: «إِلَّا مَنْ تَابَ وَآمَنَ...»^۷

^۱ فرقان، آیه ی ۶۵

^۲ همان، آیه ی ۶۷

^۳ سوره ی اسراء()، آیه ی ۲۹

^۴ سوره ی فرقان()، آیه ی ۶۸

^۵ سوره ی فرقان، آیه ی ۶۸

^۶ سوره ی احزاب(۳۳)، آیه ی ۳۰

^۷ سوره ی فرقان، آیه ی ۷۰

در این آیه با سه عمل وعده بخشش و تبدیل سیئات به حسنات داده شده است: توبه- ایمان و عمل صالح.
و توبه حقیقی، عمل صالحی است که جبران کننده باشد و گرنه تنها پشیمانی که ساعتی بعد دوباره بازگشت به گناه شود، توبه نیست. نتیجه توبه حقیقی محو سیئات و نشانیدن حسنات به جای آن است.

ویژگی نهم: حضور نیافتن در صحنه باطل «وَالَّذِينَ لَا يَشْهَدُونَ الزُّورَ»^۱

«شهد» دو معنا دارد ۱- حضور ۲- خبر و گواهی دادن و در این آیه هر دو معنا را می‌توان استفاده کرد. یعنی آنان نه در مجالس باطل حاضر می‌شوند و نه شهادت و گواهی به دروغ می‌دهند. «زور» در اصل به معنای جلوه دادن باطل به صورت حق است. که شامل دروغ و هر لُهو و باطل دیگر نیز می‌شود.

ویژگی دهم: کریمانه از لغو گذشتن «وَإِذَا مَرُّوا بِاللَّغْوِ مَرُّوا كِرَامًا»^۲

«لغو» کاری بیهوده و بی‌ثمر است. بندگان خدا هدف معقول و مفیدی دارند و عمر خود را صرف امور بیهوده نمی‌کنند. شرکت در مجالس باطل علاوه بر امضای گناه، مقدمه آلودگی قلب است.

ویژگی یازدهم: تدبّر در آیات الهی «وَالَّذِينَ إِذَا ذُكِّرُوا بِآيَاتِ رَبِّهِمْ لَمْ يَخْرُوا عَلَيْهَا صُمًّا وَعُمْيَانًا.»^۳

آنان کسانی هستند که چون به آیات پروردگارشان تذکر داده شوند چشم و گوش بسته به سجده نمی‌افتند بلکه عمل آنان آگاهانه است.
اگر درست بیندیشیم می‌بینیم که ضرر و زیان گروهی که کورکورانه به گمان خود دنبال آیات الهی و دین می‌روند کمتر از زیان دشمنانی که آگاهانه ضربه به پایه‌های اسلام می‌زنند نیست. بلکه گاه به مراتب بیشتر هم هست زیرا این گونه افراد الت دست شیطانند و این مؤمنان بصیرند که بازیچه دست این و آن نمی‌شوند. اسلام نه عالم بی‌دین می‌خواهد و نه جاهل بدون شناخت.

ویژگی دوازدهم: احساس مسؤلیت در برابر خانواده «وَالَّذِينَ يَقُولُونَ رَبَّنَا هَبْ لَنَا مِنْ أَرْوَاجِنَا وَذُرِّيَّاتِنَا فَرَهُ أَعْيُنًا...»^۴

کسانی که می‌گویند پروردگارا همسران ما و فرزندان ما را مایه روشنی چشم ما قرار بده. (آنان همسر و ذریه‌ای را دوست دارند که بنده خدا باشد).
مسلم است که چنین افرادی تنها به دعا اکتفا نمی‌کنند بلکه دعا رمز تلاش و کوشش و تعهد آنان در برابر همسر و فرزندان است. آنان افرادی نیستند که گوشه‌نشینی انتخاب کرده و مرتب بگویند برای جوانان دعا کنید بلکه می‌دانند که اول باید حرکت کرد و انجام وظیفه نمود و بعد از خدا کمک گرفت.
علی ع به فرزند خود امام مجتبی می‌فرماید:

«من در آغاز جوانی تو به ادب و تربیت تو مبادرت کردم پیش از آن که عمرت به درازا بکشد و دلت سخت شود.»

بدون تردید روشن‌ترین مصداق‌های عبادالرحمن در زمینه تربیت فرزندان، ائمه اطهار هستند.
از آنجا که عبادالرحمن به فکر خانواده و ذریه و جامعه خود هستند یکی دیگر از تقاضاهای آنان این است که:

«وَاجْعَلْنَا لِلْمُتَّقِينَ إِمَامًا.»^۵

مدیریت جامعه مؤمنین و متقین را دارا باشند. وقتی انسان امام و پیشوا می‌شود آن هم برای متقین که خود اهل تقوا و الگوی تقوا باشد. باید توجه داشت که این آیات صفات همه مؤمنان را بیان نمی‌کند بلکه اوصاف گروه ممتازی را که در صف مقدم قرار دارند تحت عنوان عبادالرحمن شرح می‌دهد. هم‌چنین از این آیه استفاده می‌شود که تقاضای ریاست معنوی نه تنها مذموم نیست بلکه مطلوب است.

بهشت، پاداش صبر عبادالرحمن

^۱ - همان، آیه ی ۷۲

^۲ - همان، آیه ی ۷۳

^۳ - همان.

^۴ - سوره ی فرقان، آیه ی ۷۴

^۵ - همان.

بعد از بیان اوصاف دوازده‌گانه در اشارهٔ اجمالی در بارهٔ پاداش ویژهٔ آنان می‌فرماید:
«**أُولَئِكَ يَجْزُونَ الْعَرْقَةَ بِمَا صَبَرُوا**»^۱

عباد الرحمن با داشتن این اوصاف برجسته در صف اول مؤمنان قرار داشته و درجهٔ بهشتی آنان هم برترین درجات است. و این مقام عالی پدین سبب به آنها داده می‌شود که در راه خدا صبر و استقامت به خرج داده‌اند. ممکن است چنین تصور شود که این صفت دیگری از اوصاف آنان است اما در حقیقت این صفت تازه‌ای نیست بلکه ضامن اجرای تمام دوازده صفت گذشته است. چرا که داشتن آن اوصاف بدون صبر و پایداری ممکن نیست. سپس اضافه می‌کند در آن غرفه‌های بهشتی با تحیت و سلام روبرو می‌شوند. هم بهشتیان به یک‌دیگر سلام می‌گویند و هم ملائکه به آنها سلام می‌دهند و از همه مهم‌تر خداوند سبحان به آنها سلام می‌گوید.
پروردگارا! تو را به آبروی اولیائت سوگند می‌دهیم که ما را به اوصاف عباد الرحمن متصف بفرما.

و صَلَّى اللَّهُ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ
تنظیم: امینیان

^۱ - همان، آیه ی ۷۵